

مدیر کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی گفت: قرارداد حمایت از ۴۰ عنوان کتاب ایرانی برای ورود به بازارهای جهانی با ارزش ۳۰ هزار یورو بسته شد. اسماعیل جانعلی پور در گفت وگو با خبرگزاری صداوسیما افزود: ناشران خارجی طرف قرارداد تا دو سال فرصت دارند این کتاب ها را منتشر کنند. وی در خصوص طرح حمایتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در راستای حمایت از آثار فاخر ادبی ایران در خارج از کشور گفت: این طرح با هدف

۴۰ کتاب ایرانی در راه بازارهای جهانی

حمایت از کتاب های کودک و نوجوان و ادبیات داستانی و رمان، سال هاست که اجرا می شود و شیوه حمایت مالی آن به این صورت خواهد بود که ما در حوزه کتاب های کودک و نوجوان تا هزار یورو و در زمینه کتاب های بزرگسال تا سه هزار یورو از ناشران حمایت مالی می کنیم. مدیر کل مجامع، تشکل ها و فعالیت های فرهنگی گفت: این حمایت به نوعی تعهد به ناشر خارجی است و ناشران خارجی هم تا دوسال فرصت دارند کتاب ها را ترجمه،

منتشر و توزیع کنند و نمونه های چاپ شده خود را به عنوان گزارش برای ما بفرستند. جانعلی پور درباره روش کار ناشران خارجی برای انتخاب کتاب گفت: ناشران خارجی با بررسی میدان نشر ایران، کتاب هایی که جایزه گرفته اند و آثار برشمار را انتخاب و بعد از عبور از مسیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیرخانه گزنت (طرح حمایت از تالیف کتاب ایرانی) آن کتاب ها ترجمه می شوند و به بازار های جهانی راه پیدا می کنند.



امیدوارم موسیقی ایران عاقبت بخیر شود!

در «جام پلاس» این هفته علی اکبر عبدالعلی زاده در گفت وگو با قاسم افشار، خواننده

فراز و فرودهای موسیقی پاپ ایرانی در دوران معاصر و زندگی حرفه ای او را مرور کرده است



قاسم افشار در سال ۱۳۴۴ در تهران متولد شد. در نوجوانی به موسیقی و خوانندگی علاقه مند شد و از ۲۰ سالگی به طور جدی خواندن و نواختن را آغاز کرد. در سال ۱۳۷۶ در آزمون خوانندگی مرکز موسیقی صداوسیما پذیرفته و پس از مدتی ترانه «وقف پرنده ها» به عنوان اولین اثر رسمی او ضبط و از صداوسیما پخش شد. او از نخستین خوانندگان موسیقی پاپ پس از انقلاب اسلامی ایران است. با حضور وی در تحریری روزنامه جام جم فرصتی دست داد تا علی اکبر عبدالعلی زاده، منتقد، نویسنده و عضو شورای سردبیری روزنامه جام جم با وی به گفت وگو بنشیند که در ادامه می خوانید.

۱] علی اکبر عبدالعلی زاده: به برنامه جام پلاس خیلی خوش آمدید! متولد کجا هستید آقای افشار؟

متولد ۲۰ خرداد ۱۳۴۴ تهران هستم. جایی در خیابان سیروس بین میدان اعدام و چهارراه مولوی که از مناطق قدیمی تهران و معروف به باغ فردوس مولوی است.

۲] آن منطقه چند شخصیت برجسته سیاسی، فرهنگی دارد که می توان از شهید چمران به عنوان یک چهره شاخص آن محدوده نام برد.

همین طور است، ضمن این که آقای طیب رضانی هم بچه آن محله بود.

۳] چهره هایی مانند آقایان مسعود کیمیایی، فرامرز قریبیان، حسین مختاری و رضا داد از بچه های محله مولوی و سرچشمه هستند.

تبار ما تهرانی است و تا اسماعل اسفند، ۵۹ ر دود کرده ام. در خانواده ای متوسط به دنیا آمدم و دارای یک برادر و دو خواهر هستم. در خانواده ما مخالفتی با موسیقی نبود اما برای دنبال کردن موسیقی کسی تشویق هم نمی شد. کودکی خوبی داشتم و خاطرات خوبی هم از دوران کودکی ام دارم.

۴] شغل پدر چه بود؟

سؤال قشنگی پرسیدید! شغل پدرم فروشنده گی در یکی از مغازه های بازار تهران بود که بعدها مغازه ای گرفت و روتختی، ملحفه، پتو و از این مدل اجناس

می فروخت که از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۴ نزد پدر کار کردم.

۵] دوره کودکی هم کار می کردید؟

بله. البته آن موقع پیش پدر نبودم و بیشتر ایام سه ماه تعطیلی مثل خیلی از بچه های دیگر اجناسی از قبیل گوش فیل، بامیه، هل و گلاب و این گونه اجناس را از مرکزی که در مولوی قرار داشت، می گرفتم و در پارک می بردم و به مردمی که صبح برای ورزش می آمدند، می فروختم. آنچه را هم ته بساط می ماند خودم به اجبار می خوردم.

۶] خاطرم هست که آن زمان مرکز تولید و کارخانه ساخت آلاسکا در سرچشمه بود و چرخ های صبح زود راه می افتادند تا جنس مورد نیاز خود را بخرند و در محلات مختلف تقسیم شوند و به مردم، به خصوص بچه ها بفروشند.

در حال حاضر ما ۱۰۰ جور آلاسکا داریم اما هیچ کدام طعم آنها را ندارند و اصلا اسم آلاسکا برای مان به یک نوستالژی تبدیل شده است.

۷] در آن دوره خانواده شما خانواده کم جمعیتی بوده است، چون آن سال ها خانواده هایی با هفت، هشت و ۹ نفره معمولی به نظر می رسید!

نسل ما فرق می کرد اما موضوع این است که در جامعه کنونی ما دیگر تعداد بچه مهم و ملاک نیست، بلکه کیفیت و میزان رسیدگی خانواده به بچه و از آب

از همین جا جرقه علاقه به موسیقی در وجودم زده شد. بعدش وسایلی مثل پایه میکروفن و وسایل جانبی دیگر هم خریدم و چون عشق سازندن داشتم دوستانم را دعوت می کردم و با صدایی که آن روزها افشاح بود، هم می زدم و هم می خواندم.

۸] قبل آن که نمی خواندید! چون معمول این بود که در محیط هایی مثل حمام افرادی که ته صدایی داشتند، می خواندند.

بله خب فضای حمام می طلبید و یادم هست آن زمان که به حمام های خصوصی تر که نمره نامیده می شد، می رفتم و می خواندم که معمولاً یک نواشابه قبل رفتن و یک نواشابه بعد رفتن می خوردم و خیلی دوست داشتم. از ۱۶ سالگی می خواندم اما از ۲۰ سالگی بود که خودم را جدی گرفتم. ابتدا برای دوستانم و بعدها در محافل دورهمی و جشن ها خواندم و برای ادامه کارم تشویق شدم.

۹] از خوانندگی پول هم درمی آوردید؟
نه هــنــوز درآمــدی از خوانندگی نداشتم. حدود ۲۳ سالم بود که رتم اجرا کردم و پول خوبی گرفتم.

۱۰] کجا بود؟
یک مراسم موسی بود که ۵۰۰، ۴۰۰ نفر روبه روبم بودند.

۱۱] به نظر این گونه محافل بهترین جا برای استعدادیابی است.

این گونه محافل از نگاه من با دانشگاه برابری می کند. بازیگران خوب زیادی داریم اما بهترین ها معمولاً کسانی هستند که از تئاتر شروع کرده اند، نفس در نفس مردم خوانده و بازی کرده اند و استعداد خودشان را روی صحنه به ظهور رسانده اند. در حقیقت تئاتر برایشان نقش دانشگاه را داشته است.

برای من آن محافل تاثیر دانشگاه را داشتند. روی همان صحنه با جمعیتی در حدود ۵۰۰ نفر خیلی استرس داشتم، طوری که پشتم به جمعیت و روبه به سمت ازگستر بود و می خواندم. دوستم گفت بزرگ، مردم پشت سرت هستند.

۱۲] برای اولین بار صحنه ترسناکی بوده است!
گفتم خیلی استرس داشتم. ۵۰۰ چشم مرا نگاه می کرد. البته در عین حال که کار خیلی سختی بود، برابم جالب هم بود و از برنامه سوم و چهارم به بعد به حضور مخاطب عادت کردم.

۱۳] در آن شرایط پدر و مادر و خانواده از شما حمایت می کردند یا نه شما راهی را شروع کرده بودی و ادامه می دادی؟
پدرم صدای خیلی خوبی داشت و توانالیه صدای پدر از صدای من بالاتر بود.

۱۴] بیات تهرانی می خواند؟
نه. روح پدر شاد. ایشان چون از ۸ یا ۹ سالگی کار می کرد، فرصت تحصیل را از دست داده بود و در نتیجه حفظ کردن اشعار برایش سخت بود. چند شعر بلد بود و همان ها را در محافل می خواند و خوب هم می خواند. مشوقم نبودند، اما مخالفتی هم نداشتند. من هم ۱۱ سال به کارم ادامه دادم.

۱۵] در آن سال ها پول خوب در می آوردید؟

نسبت به سن خودم، بله. اولین جوانی بودم بین دوستانم در ۱۹ سالگی یک ماشین و یک موتور داشتم. صبح ها نزد پدر کار می کردم و بعد از ظهرها یک مغازه که ابزار موسیقی داشت، در خیابان سرباز کسانیه هستند که از تئاتر شروع کرده اند، نفس در نفس مردم خوانده و بازی کرده اند و استعداد خودشان را روی صحنه به ظهور رسانده اند. در حقیقت تئاتر برایشان نقش دانشگاه را داشته است.

۱۶] چگونه باخبر شدید که از هنرمندان تست



بابک بیات! با آن پشتوانه هنری قوی گفت می توانی بخوانی؟ با پررویی گفتم بله. کنار او ایستادم ایشان نواخت و من هم دو سه پشت سرهم خواندم



روی صحنه می رود و بیشتر اعضای گروه این نمایش از هنرمندان (کودکان و نوجوانان دارای نیازهای ویژه) هستند. نمایش خداداد، داستان پسری روستایی را روایت می کند که با مادر بزرگ خود زندگی می کند. ناگهان مادر بزرگ دچار بیماری ای می شود و پسر نذر می کند برای شفا ی مادر بزرگ به سمت مشهد حرکت کند و ... سایر عوامل این نمایش عبارتند از: بازیگران: سمانه دلیر و امیر محمدی، بازی دهندگان عروسک: فاطمه فرکی، سمانه دلیر و زینب زنجیری، صدایشهگان: مهدی خجسته گی، مرتضی عقیقی، سمیرا منزه، مهسا زمانی، محمد جواد سعادت و مهران جنتی.

نمایش خداداد از روز گذشته ساعت ۱۸:۳۰ روی صحنه مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در بوستان لاله رفته است.

صحنه

نمایش «خداداد» برای کودکان به صحنه می رود

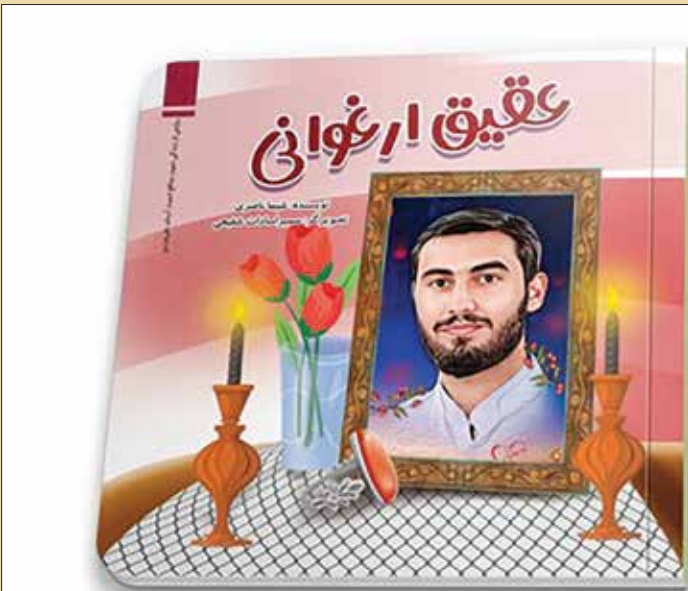
نمایش «خداداد» به نویسندگی سیروس همتی و کارگردانی مهدی خجسته گی از تولیدات مرکز تئاتر کانون در امتداد طرح تناوبی تئاتر و حمایت از استان ها در مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون

نمایش «خداداد» به نویسندگی سیروس همتی و کارگردانی مهدی خجسته گی از تولیدات مرکز تئاتر کانون در امتداد طرح تناوبی تئاتر و حمایت از استان ها در مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون

روایتی کودکانه از زندگی شهید آرمان علی وردی

کتاب «عقیق ارغوانی» شامل روایتی کودکانه درباره شهید مدافع امنیت آرمان علی وردی به قلم شیما نامری توسط «نشر ۲۷» منتشر و راهی بازار نشر شد.
راوی این قصه، انگشتر معروف آرمان است که تصویر آن پس از شهادت آرمان در فضای مجازی منتشر شد. این انگشتر زندگی آرمان را از سن نوجوانی تا شهادت، از اردوی زیارتی مشهد مقدس و لحظه هایی که با او بوده، روایت می کند. عقیق ارغوانی برای رده سنی ب و ج در ۲۴ صفحه و شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به رشته تحریر درآمده است.

قاب



رویداد

کارگاه «دیداری کردن جهان متن» بالیلی عاج

کارگاه انتقال تجربه کارگردانی «دیداری کردن جهان متن»؛ با هدایت لیلی عاج در قالب بیست ونهمین جشنواره تئاتر استان تهران برگزار می شود.

لیلی عاج، نویسنده و کارگردان تئاتر و سینما؛ در تئاتر تجربه کارگردانی نمایش های متعددی همچون

کجایی ابراهیم، خواب زمستانی، قند خون، بابا آدم و کمیته نان را داشته است. عاج در سی وهفتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر برای نمایشنامه «سالی که دو بار پاییز شد» رتبه اول مسابقه نمایشنامه نویسی دریافت کرد و برای کارگردانی و نویسندگی «سرهنگ ثریا» که نخستین اثر سینمایی اش به شمار می رفت موفق به دریافت دیپلم افتخار و سیمرغ بلورین گوهرشاد در چهل و یکمین دوره جشنواره بین المللی فیلم فجر شد.

دیداری کردن جهان متن، یکی از مجموعه کارگاه های بیست ونهمین جشنواره استان تهران به مدیریت خشایار بیرعلمی است که چهارشنبه ۲۱ شهریور از ساعت ۱۷ تا ۲۰ در مجتمع ابو الفتح رازی واقع در شهرری، میدان نماز، فرهنگسرا ولا میزبان هنرمندان استان تهران است.

حضور در این کارگاه رایگان است و متقاضیان می توانند از طریق لینک https://tehran.theater.ir/fa/form_data/add/form_id=339 ثبت نام کنند.

